



## مروری بر ابواب حکمت در شاهنامه فردوسی

حاتم زندی<sup>۱</sup>، مرتضی جوان<sup>۲</sup>

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان

۲- مدرس دانشگاه فرهنگیان

### چکیده

در عرصه ادبیات حکمی یا معرفت‌گرای فارسی، هم آثار حاوی حکمت نظری هم آرای حکمت عملی را به فراوانی می‌توان یافت. ادبیات معرفت‌گرای فارسی در عصر تلفیق پس از گذراندن سیر مشخص تاریخی خود، به مرحله‌ای از رشد نایل گردید که حکمت را - حتی در انتزاعی‌ترین و درونی‌ترین شکلش - در خدمت تعالی فرد و جامعه درآورد.

هرگاه نویسنده یا سراینده یک اثر ادبی، به طرح مسائل و موضوعاتی در خصوص چیستی، چرایی و چگونگی جهان و انسان بپردازد و بکوشد تا به پرسش‌هایی ژرف از این دست پاسخ دهد، کوشش وی را می‌توان به عنوان طرح حکمت نظری در قالب اثر ادبی به شمار آورد.

حکمت عملی نیز به شکلی گسترده در ادب فارسی به چشم می‌خورد. مقصود مطالب فراوانی است که در آثار ادبی به امور و مقولاتی مانند اخلاق، تدبیر منزل و سیاست اختصاص یافته است. از آن جمله می‌توان از شاهنامه حکیم طوس یاد کرد که مهم‌ترین منبع آرا و اندیشه‌های اخلاقی و سیاسی قوم ایرانی - چه پیش و چه پس از اسلام - محسوب می‌گردد.

در جستار حاضر بر آنیم تا پاره‌ای از برجسته‌ترین نظریات و آرای حکمی فردوسی یکی از شاعران و مشاهیر خراسانی در پهنه فرهنگ و ادب ایران را بررسی کنیم.

**واژگان کلیدی:** حکمت، ادبیات، شاهنامه، فردوسی